دور و نزدیک

چهارمین آزمایش موشکی آری یا خیر

● **بی بی سی:** مقامات کره جنوبی ادعا کردند کره شمالی در حال تدارک آزمایش هسته‌ای چهارم خودش است، ولی یک روز بعد حرف خود را پس گرفتند. ریو کیل جایی، وزیر اتحاد دو کره به یک روزنامه کره‌ای گفت که جاسوسان این کشور اطلاع داده‌اند فعالیت‌های کره شمالی در سایت اصلی آزمایشات هسته‌ای‌اش (سایت هسته‌ای پونگیه - ری) افزایش یافته است. اما به گزارش آسوشیتدپرس، او با فاصله کمی از این اظهارات، به قانونگذاران گفت به یاد نمی‌آورد که چه گفته و منظورش آماده‌شدن پیونگ‌یانگ برای آزمایش نبوده است.

افشای ۱/۷ میلیون سند دیپلماتیک آمریکا

● **شرق:** حتی در سفارت اکوادور هم بیکار ننشسته و به افشاگری‌هایش ادامه می‌دهد. جولیان آسانژ در بیانیه‌ای که در دسامبر ۲۰۱۲ از بالکن سفارت اکوادور در لندن خواند، گفت: در سال ۲۰۱۳ سندهایی منتشر خواهد کرد که «همه کشورهای دنیا را تحت تاثیر قرار خواهد داد.» حالا بعد از چهار ماه موسس وب‌سایت ویکی‌لیکس بیش از ۱/۷میلیون سند آمریکا را که شامل گزارش‌های اطلاعاتی و دیپلماتیک در خصوص اکثر کشورهای جهان در بازه زمانی ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۶ منتشر کرده است. او گفته این مدارک نشان‌دهنده بخش وسیعی از فعالیت آمریکا در سراسر جهان است.

هیلاری نامزد دموکرات‌ها در سال ۲۰۱۶

● **پی‌تی‌ای:** بیل کلینتون، رییس‌جمهوری اسبق آمریکا به طور غیرمستقیم از احتمال نامزدی همسرش در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ سخن گفت. بیل کلینتون، رییس‌جمهوری اسبق آمریکا که همسر هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه سابق این کشور است، شنبه‌شب در مقابل جمعی در منطقه «سن‌لوییس» سخنرانی کرد. او با تشدید گمانه‌زنی‌ها گفت، آمریکا در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ گزینه‌های بسیار خوبی دارد. بیل کلینتون که یکی از محبوب‌ترین رییس‌جمهورهای آمریکاست و از سوی حاضران در منطقه سن‌لوییس که فکر می‌کردند منظور او هیلاری کلینتون است، مورد تشویق قرار گرفت.

صربستان اتحادیه اروپا را قبول ندارد

● **خبرگزاری آلمان:** دولت صربستان هرگز این مساله را نمی‌پذیرد که اتحادیه اروپا در مذاکرات میان این کشور و کوزوو به میانجی‌گری بپردازد. الکساندر ووجیچ، معاون نخست‌وزیر صربستان در پاسخ به این سوال که آیا صربستان پیشنهاد اتحادیه اروپا را قبول می‌کند یا خیر؟ گفت: این پیشنهاد غیرواقعی است. اتحادیه اروپا از صربستان می‌خواهد تا روابط خود را پیش از برگزاری مذاکرات برای عضویت در اتحادیه اروپا عادی کند. این در حالی است که بلگراد امیدوار بوده تا این مذاکرات در نشست آتی صورت گیرد.

اخراج وزیران کرد از کابینه مالکی

● **ایسنا:** به دنبال آنکه وزیران کرد در چند هفته گذشته از حضور در نشست‌های کابینه عراق خودداری کردند، نخست‌وزیر این کشور طی حکمی سرپرستی وزارتخانه‌های تحت رهبری کردها را به دیگر وزیران عراقی سپرد. علی الموسوی، مشاور رسانه‌ای نوری المالکی گفت: از آنجا که وزرای کرد در چند هفته گذشته در جلسه‌های کابینه حضور نیافته‌اند، المالکی دستور داد تا به این وزیران مرخصی داده شود و وزارتخانه‌های تحت سرپرستی آنها را به دیگر وزرای عراقی که از گروه‌های سیاسی موجود در پارلمان هستند، سپرد.

اپوزیسیون از تغییر نظام می‌ترسد

● **تودیززمان:** نخست‌وزیر ترکیه ضمن اعلام تمایلش بر تغییر سیستم پارلمانی به سیستم ریاست‌جمهوری در ترکیه، ادعا کرد که احزاب مخالف با چنین سیستمی مخالف هستند چرا که فکر می‌کنند شانسی برای پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری ندارند. این اظهارنظر اردوغان در جریان سخنرانی اش در مجمع عمومی «انجمن تمامی کارخانه‌داران و تجار» مطرح شد.

احمد شفیق تبرئه شد

● **ایسنا:** یک دادگاه کیفری در مصر احمد شفیق نخست‌وزیر سابق مصر، ابراهیم مناع، وزیر سابق هواپیمایی مصر و نیز توفیق محمد عاصی، رییس شرکت هواپیمایی مصر را که به غارت اموال عمومی از بخش هواپیماهای مسافربری و شهری متهم بودند، تبرئه کرد. احمد شفیق پیش‌بینی کرده بود در دادگاه بی‌گناهی او ثابت خواهد شد.

الظواهری، اسد را دشمن خواند

● **ایسنا:** ایمن الظواهری، رهبر القاعده در پیامی صوتی که در سایت‌های اینترنتی مرتبط با القاعده منتشر شد، با نام بردن از بشار اسد به عنوان «دشمن»، او را در آستانه سقوط خوانده و خطاب به شورشیان سوری گفت: نبردتان را با نام الله و با هدف ایجاد سیستمی حاکم بر شریعت او پیش ببرید.

بازگشت «تاچر» در قاب مرگ

نسرین رضایی: «مارگارت تاچر، تصویر سیاستمدار کهنه‌کار سرسختی که زمانی چهره نخست مطبوعات نه بریتانیا بلکه دنیا بود، حالا در سنین پیری به الگویی برای کارتون‌ها و دیوار نوشت‌های حومه بریتانیا بدل شده است. کارتونی برای تمسخر و شاید شکستن گارد خشک سیاستمدار محافظه‌کار سابق.» این جمله مقدمه کتاب تازه از تنور در آمده گیلن شفرد تحت عنوان «بانوی آهنین واقعی» است. شفرد می‌گوید: اما بانوی آهنین واقعی روحیه نرم و منعطفی هم دارد. شفر نمی‌دانست که تنها با گذشت ۱۰ روز از انتشار کتابش در مورد تاچر تصویر بانوی آهنین بار دیگر به عکس یک همه خبرگزاری‌ها و روزنامه‌ها بدل می‌شود. اینبار تصویری همراه با خبر درگذشت تنها نخست‌وزیر زن بریتانیا... دیگر خبری از بانوی آهنین، زن خرافاتی، محافظه‌کار سرسخت، زن تاریخ‌ساز بریتانیا نیست. زنی که به گفته شفر سال‌ها زیر غبار افسانه‌ها و اسطوره‌ها پنهان شده بود و گهگاه طرفدارانش از او به خاطر عملکردش در راستای کاهش مالیات‌ها یاد می‌کردند و مخالفانش تحت عنوان مروارید شیطانی. مارگارت تاچر یکی از تاثیرگذارترین سیاستمداران قرن بیستم بود. میراث سیاسی مارگارت تاچر بر سیاست نخست‌وزیرانی که پس از او در بریتانیا به قدرت رسیدند، چه از حزب محافظه‌کار و چه از حزب کارگر تاثیر بسیار داشت. در عین حال دوران نخست‌وزیری ۱۱ ساله او بیش از هر چیز به دلیل سیاست‌های رادیکال و روش برخورد تندش به یادها مانده است. در مدتی که او ریاست دولت بریتانیا را برعهده داشت هزاران نفر از شهروندان عادی این کشور از طریق خرید مسکن دولتی صاحب ملک شدند وهزاران نفر دیگر با خرید سهام شرکت‌های دولتی بزرگی مثل شرکت گاز و شرکت تلفن که توسط وی خصوصی شدند، به قشر سهامداران و طرفداران بازار آزاد پیوستند. اما بی‌اعتنایی و مخالفت او با روش‌های سیاسی تفاهم‌آمیز او را به یک رهبر اختلاف‌برانگیز بدل کرده و میزان مخالفت با سیاست‌ها و روش حکومتگری او در نهایت به شورش علیه وی در حزب حاکم محافظه‌کار و ناآرامی در سطح جامعه بریتانیا منجر شد. شاید بتوان از جنگ انگلیس و آرژانتین بر سر مالکیت مجمع‌الجزایر مالویناس (فالک‌لند)، تشدید بحران در ایرلند شمالی، اعتصاب معدنچیان به عنوان بزرگ‌ترین اعتصاب تاریخی انگلستان، افزایش سیاست‌های نژادپرستانه انگلیس، صادرات نظامی گسترده این کشور به عراق در سال‌های جنگ تحمیلی و خصومت مقامات لندن با جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین فرازهای تحولات داخلی و خارجی انگلیس در سال‌های حکومت مارگارت تاچر یاد کرد. تاچر در سال‌های نخست‌وزیری خود تابع و هم‌پیمان سیاست‌های آمریکا در اروپا بود. در چارچوب همین نگرش، وحدت پولی اروپا یا پیمان اتحادیه اروپای بدون مرز، با سیاست‌های بازدارنده و کارشکنی دولت خانم تاچر در انگلستان مواجه بود. آن هم‌پیمانی و این بازدارندگی، سیاست تاچر را در عرصه بین‌المللی به عنوان «تاچریسم» شاخص کرده بود. تبعات فروپاشی کمونیسم و خاتمه جنگ سرد در اروپا که با خوش‌بینی همه دولت‌های این قاره مواجه شد، در کابینه تاچر با نوعی تردید و نگرش بدبینانه همراه بود. به همین دلیل اتحاد دو آلمان، شکسته شدن دیوار بلند کمونیستی میان شرق و غرب اروپا و رخدادهای دیگر که محصول طبیعی خاتمه جنگ سرد بود، مورد استقبال تاچر قرار نگرفت و حزب تحت رهبری او در میان سایر احزاب سیاسی اروپا به انفعال کشانده شد. این عوامل، دلایل اصلی بن‌بست سیاسی تاچر بود که به اختلافات داخلی حزب محافظه‌کار دامن زد و سرانجام او را وادار به استعفا و کناره‌گیری از قدرت کرد. مع‌الوصف خط سیاسی تاچر در دوران پس از وی یعنی زمان نخست‌وزیری جان میجر نیز ادامه یافت. وقتی میجر در جریان انتخابات اول می ۱۹۹۷ از رقیب خود تونی بلر شکست خورد و با این شکست به حاکمیت ۱۸ ساله حزب محافظه‌کار بر انگلیس خاتمه داد، منابع خبری و سیاسی آن کشور از این رویداد به عنوان پایان عصر تاچریسم بر انگلیس یاد کردند.

تاچر در تهران

روز هشتم اردیبهشت ۱۳۵۷ مارگارت تاچر رهبر حزب محافظه‌کار انگلیس برای ابراز حمایت کشورش از رژیم شاه وارد تهران شد. دو روز قبل از او رونالد ریگان نیز با هدف مشابهی به تهران آمد. این سفرها در شرایط اوجگیری انقلاب اسلامی ایران صورت گرفت. مارگارت تاچر از سیاستمداران مورد اعتماد حکومت پهلوی در اروپا بود. او در شکل‌دادن به نگرش حزب محافظه‌کار انگلیس نسبت به تحولات ایران و جهان نقشی بنیادین داشت. سفر او به تهران در اردیبهشت ۱۳۵۷ از اهمیت خاصی برخوردار بود. تاچر بلافاصله پس از ورود به تهران رهسپار کاخ نیاوران شد و با شاه دیدار کرد. در این دیدار «آنتونی پارسونز» سفیر انگلستان در ایران و دو نفر از نمایندگان مجلس عوام انگلیس شرکت داشتند. تاچر در این ملاقات راجع به فروش جنگ‌افزارهای انگلیسی به ایران و ساختمان مجموعه صنایع نظامی حوالی اصفهان و تاسیسات بندری بندرعباس با شاه مذاکره کرد. او گفت: «خریدهای دفاعی ایران باعث به وجود آمدن‌هزاران شغل در صنایع انگلستان شده و به مبارزه با بیکاری در این کشور کمک شایانی کرده است.» به فاصله ۱۰ روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، دولت جیمز کالاهان نخست‌وزیر وقت انگلستان توسط وزیر خارجه خود «دیوید اوئن»، دولت موقت مهندس مهدی بازرگان را به رسمیت شناخت ولی دو ماه پس از این شناسایی در اردیبهشت سال بعد مارگارت تاچر نخست‌وزیر جدید انگلیس اعلام کرد کشورش در باب شناسایی سیاسی ایران تجدیدنظر خواهد کرد. این اعلام سرآغاز سیاستی بود که تاچر طی ۱۱سال زمامداری خود در قبال جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفت. اولین موضع‌گیری خصمانه تاچر در برابر انقلاب اسلامی اعلام موافقت کشورش با پیشنهاد بعضی مقامات آمریکایی دایر بر لزوم حمله نظامی به ایران در پاسخ به تصرف سفارت آمریکا در تهران بود. به همین دلیل در فروردین ۱۳۵۹ از درخواست آمریکا برای پیوستن به تحریم اقتصادی ایران حمایت کرد و در اردیبهشت ۱۳۵۹ از مداخله نظامی آمریکا در طبس حمایت کرد. چند روز پس از این حمله، سفارت ایران در لندن هدف حمله تروریستی قرار گرفت و سبب به شهادت رسیدن دو دیپلمات ایرانی به نام‌های لواسانی و صمدزاده شد. در پی مرگ محمدرضا پهلوی در ۱۳۵۹ وزارت خارجه انگلیس بیانیه‌ای حاوی اظهار تاسف نخست‌وزیر و کابینه این کشور انتشار داد. در سال ۱۳۶۰ کنسولگری ایران در منچستر و دفتر هواپیمایی ایران در لندن سه بار مورد حمله و اشغال عناصر ضدانقلاب قرار گرفتند. در خرداد ۱۳۶۳ دولت تاچر پنج دیپلمات ایرانی را از انگلستان اخراج کرد که با عکس‌العمل متقابل ایران مواجه شد. انتشار کتاب وهن‌انگیز «آیات شیطانی» توسط سلمان رشدی و حمایت مغرضانه دولت تاچر از این اقدام و سپس فتوای امام خمینی مبنی بر مهدورالدم بودن نویسنده کتاب، تنش بزرگی در روابط ایران و انگلیس به وجود آورد. پس از آن با مصوبه مجلس در شانزدهم اردیبهشت ۱۳۶۸ روابط دو کشور به طور کامل قطع شد. در سال ۱۳۶۸ سخت‌ترین برخوردها از سوی دولت انگلستان به‌ویژه با دانشجویان ایرانی در انگلیس صورت گرفت. در این سال با وجود اظهارات داگلاس هرد وزیر خارجه وقت انگلیس مبنی بر بهبود روابط دو کشور، تاچر ایران را کشوری تروریست معرفی کرد و به سخنان رهبر انقلاب مبنی بر ابقای حکم فتوای امام انتقاد کرد در همین سال تعداد ۲۴۸ نفر از نمایندگان مجلس عوام انگلیس طی بیانیه‌ای خواستار اخراج ایران از سازمان ملل و جایگزینی نماینده سازمان منافقین در آن سازمان شدند. اما پس از سال ۱۳۶۸ (۱۹۸۹ م) روابط دو کشور به سمت تشنج‌زدایی پیش رفت. به دنبال پوزش مقامات انگلیسی و اعتراف آنها مبنی بر احترام به دین اسلام، با مجوز شورای‌عالی امنیت ملی طی اعلامیه‌ای وزارت امور خارجه در مهر ۱۳۶۹ برقراری روابط سیاسی دو کشور را اعلام کرد.

واکنش‌ها به مرگ مارگارت تاچر

تونی بلر، نخست‌وزیر سابق از حزب کارگر: سیاستمداران کمی این شانس را دارند که بتوانند چشم‌انداز سیاسی را نه‌تنها در کشور خودشان که در جهان تغییر دهند. تاچر چنین رهبری بود. تاثیر جهانی شگرف داشت. حزب کارگر بعضی تغییراتی که او در بریتانیا به وجود آورد را بعدها در سال ۱۹۹۷ که به قدرت رسید حفظ کرد، علاوه بر این دولت‌های سراسر جهان هم از آن تقلید کردند.

بنیامین نتانیاهو: امروز من برای تاچر سوگواری کردم. او رهبری مقتدر، زنی اصیل، با اراده، اعتقاد راسخ و قدرتمند بود. او دوست سرسخت اسراییل و یهودیان بود. من صمیمانه‌ترین همدردی خودم را به خانواده، دولت و مردم بریتانیا اعلام می‌کنم.

لخ والسا، رییس‌جمهوری سابق لهستان: او شخصیت برجسته‌ای بود. به همراه ریگان و پاپ ژان پل دوم، کارهای بزرگی برای دنیا کرد. او کمک کرد کمونیسم در لهستان و اروپای مرکزی بمیرد. من برایش آمرزش می‌طلبم.

واکلاف کلاوس، رییس‌جمهوری و نخست‌وزیر سابق چک: تاچر یکی از بزرگ‌ترین سیاستمداران زمانه ما بود. در چک مردم او را قهرمان خودشان می‌دانند.

میخاییل گورباچف، رهبر سابق شوروی: خبر مرگ تاچر غم‌انگیز بود. می‌دانستم خیلی بیمار است. آخرین‌باری که او را دیدم سال‌ها پیش بود. به خانواده و دوستانش صمیمانه تسلیت می‌گویم. او سیاستمداری بود که هر کلامش وزن داشت. نخستین‌بار همدیگر را در ۱۹۸۴ دیدیم. رابطه بین ما گاهی شکراب می‌شد با این همه جدی و مسوولانه بود. در نهایت ما توانستیم به فهم مشترکی برسیم و جو حاکم میان دو کشور را بهبود دادیم و جنگ سرد را خاتمه بخشیدیم. او در تاریخ و حافظه ما خواهد ماند.

اد میلیبند، رهبر حزب کارگر بریتانیا: او منحصربه‌فرد بود. او سیاست‌های یک نسل کامل را تغییر داد. او اولین زن نخست‌وزیر بریتانیا بود. حزب کارگر با بسیاری از سیاست‌های او مخالف بود و برای ما همیشه شخصیتی جدال‌برانگیز خواهد ماند. با این همه احترام عمیقی برای دستاوردهای سیاسی و شخصیت محکم او قایل هستیم. من و دیوید کامرون و نیک کلگ همگی در فضای سیاسی که تاچر فراهم کرده بود رشد کردیم.

دیوید کامرون، نخست‌وزیر بریتانیا: مرگ تاچر برای کشورمان غم‌انگیز است. ما رهبر بزرگی از دست دادیم، یک بریتانیایی بزرگ. او تنها رهبر بریتانیا نبود، ناجی آن نیز بود. میراث او برای ما این است که به کشورمان به بهترین نحو ممکن خدمت کنیم. او به طرز شگرفی شجاع بود. مردم ما برای دهه‌ها، چیز از او آموختند.

آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان: او رهبر فوق‌العاده‌ای بود که در زمان خودش در سطح جهان تاثیرگذار بود. او بر جدایی میان کشورهای اروپایی فایق آمد و جنگ سرد را پایان بخشید. او به عنوان یک زن به بالاترین مقام ممکن رسید. او قدرت جنبش‌های آزادی‌خواهانه کشورهای اروپای شرقی را شناخت و به آنها کمک کرد.

تیم میلر، یکی از ثروتمندان جزایر فالکلند: تاچر برای فالکلند مانند چرچیل برای بریتانیای کبیر در دهه ۱۹۴۰ بود. او آدم درستی بود که در مکان و زمان درستی قرار گرفت و کار درست را انجام داد.

مایک سامرز، یکی از اعضای شورای ملی فالکلند: در این شکی نیست که تاچر نسبت به فالکلند احساس ویژه‌ای داشت. او کار مهمی برای جزیره کرد. او آزادی را برای مردم ما آورد و فالکلندی‌ها او را برای همیشه در قلبشان نگه می‌دارند.

زندگینامه

مارگارت هیلدا رابرتز در ۱۳اکتبر ۱۹۲۵ در «گرانتهام» شهر کوچکی واقع در ۱۵۰ کیلومتری شمال لندن متولد شد. در جوانی پدر و مادرش صاحب یک مغازه خواربارفروشی بودند ولی مارگارت ابتدا لیسانس هنر از دانشگاه آکسفورد دریافت کرد و سپس در دو رشته شیمی و حقوق تحصیلات عالیه را ادامه داد و از هر دو رشته فارغ‌التحصیل شد. بعد از آن به ریاست گروه فارغ‌التحصیلان عضو حزب محافظه‌کار در دانشگاه آکسفورد انتخاب شد.

در ۱۹۵۹ به نمایندگی مجلس عوام انگلیس انتخاب شد و در دولت حزب محافظه‌کار در ۱۹۷۰ سمت وزارت آموزش‌وپرورش را بر عهده گرفت. در ۱۹۷۵ به رهبری حزب محافظه‌کار انتخاب شد. این نخستین‌بار در تاریخ انگلستان بود که یک زن رهبر یک حزب سیاسی عمده این کشور می‌شد.

در سوم می ۱۹۷۹ با پیروزی محافظه‌کاران در انتخابات پارلمانی مارگارت تاچر به سمت نخست‌وزیری انگلستان انتخاب شد. تاچر در نهم ژوئن ۱۹۸۳ برای بار دوم و در ۱۱ ژوئن ۱۹۸۷ برای بار سوم در این سمت ابقا شد. او سمت نخست‌وزیری را تا ۲۲ نوامبر ۱۹۹۰ بر عهده داشت و سپس در پی ۱۱ سال نخست‌وزیری و ۱۵ سال رهبری حزب محافظه‌کار از مقام خود استعفا داد و جای خود را به «جان میجر» وزیر خزانه‌داری جوان کابینه خود سپرد. تاچر بعد از کناره‌گیری از نخست‌وزیری به عنوان نماینده حزب محافظه‌کار در پارلمان باقی ماند و به فعالیت‌های سیاسی خود ادامه داد. تاچر به همراه دخترش کارول زندگی می‌کرد و طبق گفته‌های کارول مادرش مدتی بود که به بیماری آلزایمر دچار شده بود.

داوود هرمیداس‌باوند
استاد دانشگاه علامه طباطبایی

مارگارت تاچر درست در آستانه انقلاب اسلامی ایران بر سر کار آمد. همزمان با این موضوع اتحادیه‌های کارگری خواهان حقوق بیشتر شدند و دست به اعتصاب زدند. قدرت اتحادیه‌های کارگری در انگلستان به گونه‌ای بود که اغلب خواسته‌های آنها پذیرفته می‌شد اما تاچر در مقابل آنها مقاومت و ایستادگی کرد و حاضر نشد که منافعی به آنها دهد. یکی دیگر از نکاتی که در زمان تاچر اتفاق افتاد در رابطه با جزایر فالکلند بود. در آن زمان آرژانتین این جزایر را اشغال کرد و موضوع به شورای امنیت کشیده شد. ولی آرژانتین مدعی مالکیت بر این جزایر بود. تاچر در این میان در یک حرکت غافلگیرانه به این مناطق حمله کرد و با شکست آرژانتین این مجمع الجزایر را تحت تصرف انگلیس درآورد. بعد از این پیروزی تاچر بانوی آهنین لقب گرفت. در انگلیس دولتی که چنین پیروزی چشمگیری به دست آورد پارلمان را منحل می‌کند و بار دیگر برای یک دوره دیگر روی کار می‌آید. تاچر نیز چنین کرد. تاچر در مباحث اقتصادی اروپا، مخالف شدید فدراسیون اروپایی و طرفدار کنفدراسیون اروپایی بود. دولت بریتانیا این رویه را تا امروز ادامه داده است. تاچر همچنین طرفدار اقتصاد آزاد بود و همین موضوع باعث توسعه شکوفایی اقتصادی انگلستان شد. در آن زمان دوران شکوفایی اقتصاد آزاد بود و توانست در انگلستان موجب توسعه اقتصادی شود. موضوع دیگری که از خانم تاچر در ذهن‌ها مانده است، طرفداری و میانجی‌گری او در ماجرای پینوشه بود. وقتی پینوشه به دلیل جنایت علیه بشریت در انگلستان در بازداشت به سر می‌برد، با پادرمیانی تاچر از این کشور خارج شد. و به‌رغم درخواست دادگاه‌های بین‌المللی برای محاکمه انگلستان به او مصونیت قضایی داد.

کمال اطهاری
کارشناس اقتصاد

دولت رفاه تا دهه ۷۰ بر سیاست و اقتصاد سرمایه‌داری حاکم بود. اما در این دهه دولت به قدری حجیم می‌شود که تولید سرمایه‌دارانه را تهدید می‌کند. در ابتدای دهه ۲۰ نسبت هزینه دولت به تولید ناخالص ملی حدود ۵درصد بود. این میزان در دهه ۷۰ به ۴۵-۴۰درصد رسیده بود. برای نخستین بار بحران اقتصاد با مشخصه رکود تورمی رخ نمود. مارگارت تاچر، واکنشی بود که سیاست برای مهار بزرگ شدن دولت و بازسازی فضای حیاتی سرمایه‌داری نشان داد. اما اتفاقی که در عمل افتاد این بود که با بیرون کردن رفاه از جامعه، مصرف انبوه هم به خطر افتاد. سرمایه‌ها نیز برای کسب سود بیشتر و در تخالف با نیروی کار که خواهان دولت رفاه بود، به کشورهای پیرامونی پناه برد و در آن کشورها ارزش اضافی بیشتر جست‌وجو کرد. نیروی کار نمی‌توانست با مزدی که می‌گرفت مصرفش را تامین کند، بنابراین کالاهای ارزان از کشورهای پیرامونی به کشور وارد می‌شد ولی این وضعیت نیز دیری نپایید. تاچریسم نیز افول کرد. پیرو آن بحران‌های متعددی اتفاق افتاد. بحران کنونی نیز نمونه بارز میراث تاچر است که در نتیجه بازاری کردن جامعه، عدم توجه به نیروی کار و به حساب نیاوردن انسان، جامعه و اقتصاد ایجاد شد. کشورهای غربی در اثر همین سیاست‌ها تضعیف شدند و شکاف طبقاتی در این جوامع هر روز بیشتر شد. جامعه به قدری تضعیف شد که حتی از عهده مصرف کالاهای ارزان که در کشورهای پیرامون تولید می‌شود نیز برنمی‌آید. اقتصاد کشورهای مرکز به نفع کسب سود در کشورهای پیرامونی تضعیف شد. مبنای همه اینها را می‌توان به تاچر نسبت داد. او نماینده سیاسی بازاری کردن جامعه بود.

مازیار خسروی
روزنامه نگار

برای نسل ما، «مارگارت تاچر» و «رونالد ریگان» چهره‌های شناخته‌شده‌ای بودند. شاید حتی بیشتر از آنی که نسل امروز، «برد پیت» و «آنجلینا جولی» را می‌شناسد. این دو البته برعکس همزادان امروزی‌شان برای ما «شر مجسم» بودند. ما اینترنت و ماهواره نداشتیم. «دی‌وی‌دی» و کامپیوتر هم همینطور. روزگار، روزگار یکه‌تازی «آتاری» و ویدیوهای کرایه‌ای بود. تصور ذهنی مان را از جهان، هنوز اخبار ساعت دو رادیو و هشت شب تلویزیون می‌ساخت. در دنیای ما آدم‌های خوب و آدم‌های بد، کاملا مشخص و روبه‌روی هم بودند. در مدرسه شعار می‌دادیم: «خلیج‌فارس ایران، محل دفن ریگان» تکلیف پیرزن بدذات انگلیسی هم روشن بود؛ یک‌بار با گوش‌های کودکی‌ام، در یک دعوای خانوادگی شنیدم که «فلانی مثل تاچر موذی است.» ملتی در میانه نبرد مرگ و زندگی بود و تاچر و کابوی تگزاسی، متحد دشمن. آن روزها بی‌طرفی معنا نداشت؛ «دوست دشمن من، دشمن من است.» وقتی مارادونا با «دست خدا» انتقام جهان سومی‌ها را از استعمار پیر گرفت، ما از تماشای مستقیم جام جهانی محروم بودیم. این اما مانع نشد که محبوبیت جادوگر برایمان صدچندان نشود؛ دماغ پیرزن مغرور به خاک مالیده شده بود. نسل امروز، اگر خیلی اهل حوصله باشد، تاچر را در چهره «بانوی آهنین» و نقش‌آفرینی «ماریل استریپ» می‌شناسد. برای نسل ما در همه جای جهان اما او نماد خشن‌ترین چهره محافظه‌کاران راستگرا بود. حالا مارادونا چاق و فرسوده شده، فهد، تاچر و ریگان مرده‌اند. ما نیز جوانی را پشت سر گذاشته‌ایم. دنیای ما اما خیلی وقت است که به پایان رسیده است.

هوشنگ ماهرویان
نویسنده

انگلستان یکی از کشورهایی بود که بزرگ‌ترین بیمه‌های درمانی را داشت. ارایه خدمات جامع پزشکی برای همه مردم به صورت رایگان بود و خدمات به صورت مناسب در این کشور توزیع می‌شد. علاوه بر شهروندان این کشور، خدمات برای غیرانگلیسی‌ها هم رایگان بود و مردم سرتاسر جهان می‌توانستند به این کشور رفته و به صورت رایگان تحت درمان قرار گیرند. اما با روی کار آمدن تاچر این بیمه‌ها برداشته شد و خدمات دولتی کاهش پیدا کرد. او همچنین سازمان‌های دولتی را به بخش خصوصی واگذار کرد. این سیاست‌ها در کنار حمایت او از بازار آزاد، به «تاچریسم» معروف است. این موضوع به دلیل اعتقاد او به نئولیبرالیسم بود. تاچر در زمان نخست‌وزیری‌اش از هم‌پیمانان آمریکا به شمار می‌رفت و از مخالفان جدی اتحادیه اروپای بدون مرز بود. در زمان او نئوکان‌ها و کنسرواتیوها که او و ریگان بخشی از آن بودند، اقتصاد آزاد را گسترش دادند و بازار را رقابتی کردند. او با قدرت گرفتن اتحادیه‌های کارگری در بریتانیا مخالف بود. سیاست‌های اقتصادی مارگارت تاچر با مخالفت گسترده فعالان چپ و سوسیال‌ورکرها مواجه شد. بسیاری از احزاب چپ و اتحادیه‌های کارگری به خیابان‌ها آمدند و به سیاست‌های نئوکانی و نئولیبرالی تاچر اعتراض کردند. اگرچه تاچر در این زمینه تندروی کرد اما سیاست‌های او و حذف بیمه‌های اجتماعی موجب شکوفایی و توسعه اقتصادی انگلستان شد. زمان تاچر نقطه عطفی در تاریخ معاصر اتفاق افتاد: ۱-فروپاشی شوروی با آغاز سیاست‌های گورباچف و ۲-آغاز اقتصاد بازارمحور در چین با سیاست‌های دنگ شیائو پینگ. این واقعه عملا نابودی اقتصاد دولتی و پیروزی اقتصاد بازار محور بود.

نگاه

از تحصیل شیمی تا نخست‌وزیری بریتانیا

● **نگار حسینی:** حالا که بانوی آهنین بعد از سال‌ها تلاش و فعالیت در عرصه سیاست درگذشته است، بررسی زندگی او از آغاز تحصیل در آکسفورد تا رسیدن به نخست‌وزیری بریتانیا شاید خالی از لطف نباشد. در این نوشته تلاش شده است مهم‌ترین اتفاقات زندگی مارگارت تاچر، نخستین زن نخست‌وزیر انگلیس به اجمال مرور شود:

۱۹۲۵: مارگارت هیلدا رابرتز، در سیزدهم اکتبر ۱۹۲۵ در گرانتهام، لینکلنشایر، شهر کوچکی در نزدیکی لندن به دنیا آمد. مادرش «بئاتریس استفان رابرتز» و پدرش «آلفرد رابرتز» بود.

۱۹۴۴: مارگارت موفق شد به آکسفورد راه یابد و در رشته شیمی تحصیل کند.

۱۹۴۶: در این سال فعالیت‌های سیاسی مارگارت تاچر آغاز شد. تاچر به ریاست گروه فارغ‌التحصیلان عضو حزب محافظه‌کار در دانشگاه آکسفورد انتخاب شد.

۱۹۴۷: مدرکی در رشته شیمی، دستاورد تحصیل او در این دانشگاه بود.

۱۹۵۰: تحصیلات مارگارت ادامه یافت. او موفق شد فوق‌لیسانس را نیز از دانشگاه آکسفورد دریافت کند. در سیاست اما به اندازه تحصیل موفق نبود کما اینکه به عنوان نامزد حزب محافظه‌کار شکست خورد.

۱۹۵۱: او با یک تاجر ثروتمند ولزی، دنیس تاچر ازدواج کرد.

۱۹۵۳: در این سال او توانست به عنوان یک وکیل مدافع مطرح شود. مارگارت حالا یک جفت دوقلو به نام‌های کارول و مارک داشت.

۱۹۵۴: تا این سال هنوز موفقیت‌های مارگارت به عنوان یک سیاستمدار آغاز نشده بود. تلاش او به عنوان کاندیدای منطقه اورفینگتون نتیجه نداد و او شکست خورد.

۱۹۵۹: در این سال او توانست از حوزه انتخابی فینچلی که در آن زمان از مناطق تحت کنترل حزب محافظه‌کار بود به پارلمان بریتانیا راه یابد.

۱۹۶۱: در این سال تاچر علیه موضع رسمی حزب محافظه‌کار در مورد تنبیه بدنی رای داد.

۱۹۶۴: به فاصله دو سال خانم تاچر در کابینه دولت حزب محافظه‌کار به مقام معاونت وزیر انتصاب شد و در پی شکست انتخاباتی این حزب در سال ۱۹۶۴ او در کابینه در سایه عهده‌دار مقام وزارت شد.

۱۹۶۸: تاچر به جرم‌زدایی از همجنسگرایی مردان و نیز آزادی سقط جنین رای داد.

۱۹۷۰: رهبر حزب محافظه‌کار ادوارد هیث، نخست‌وزیر بریتانیا شد. مارگارت وزیر امور خارجه، وزیر آموزش و پرورش و علوم شد.

۱۹۷۳: دولت محافظه‌کار ادوارد هیث عمر چندانی نداشت. در پی بحران نفت در سال ۱۹۷۳ دولت او مجبور شد تحت تاثیر کاهش فعالیت‌های صنعتی روزهای کار در هفته را به سه روز تقلیل دهد و همزمان با اعتصاب‌های کارگری گسترده‌ای مواجه شد.

۱۹۷۴: دولت محافظه‌کار بالاخره در ماه فوریه این سال سقوط کرد. پس از شکست حزب محافظه‌کار، ادوارد هیث او را به عنوان وزیر محیط‌زیست سایه منصوب کرد.

۱۹۷۵: او که به شدت از چرخش ادوارد هیث و رها کردن اصول سیاست اقتصادی محافظه‌کاران خشمگین بود در انتخابات سال ۱۹۷۵ برای تعیین رهبر جدید حزب در مقابل رییس سابق خود کاندیدا شد.

۱۹۷۶: تاچر علیه اتحاد جماهیر شوروی سابق سخنرانی کرد. پس از این سخنرانی، مطبوعات شوروی به او لقب بانوی آهنین دادند.

۱۹۷۹: همزمان با تضعیف بیشتر دولت حزب کارگر به نخست‌وزیری جیمز کالاهان، حزب محافظه‌کار در یک کارزار تبلیغاتی گسترده پوسترهایی را چاپ و نصب کرد که شعار اصلی آن این بود: «کارگر کار نمی‌کند». اشاره آن به ناتوانی حزب کارگر بود. جیمز کالاهان در ۲۸مارس ۱۹۷۹ نتوانست از پارلمان رای اعتماد بگیرد. دیدگاه‌های صریح تاچر در میان بسیاری از رای‌دهندگان بریتانیایی طرفدار پیدا کرد و در انتخابات سراسری حزب محافظه‌کار به پیروزی رسید و نخست‌وزیر شد.

۱۹۸۰: با وجود افزایش تورم و بیکاری، او از معکوس کردن سیاست‌های اقتصادی خود خودداری کرد.

۱۹۸۲: بریتانیا موفق شد به رهبری تاچر، جزایر فالکلند را از آرژانتین باز پس بگیرد.

۱۹۸۳: حزب محافظه‌کار پیروزی در انتخابات را به دست آورد. مارگارت تاچر به عنوان نخست‌وزیر مجددا انتخاب شد.

۱۹۸۴: مارگارت تاچر در بحبوحه جنگ سرد، هدف توطئه ترور نیروهای ویژه شوروی سابق قرار گرفت. او توانست از این ترور جان سالم به در ببرد.

**۱